

کارکرد موسیقی در تصویرآفرینی آیات قیامت در قرآن کریم

تاریخ دریافت: ۹۴/۵/۱۳ تاریخ پذیرش: ۹۴/۷/۲۰

محمود شهبازی؛ استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه اراک
اصغر شهبازی؛ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه اصفهان

چکیده

در قرآن کریم نغمه واژگان و موسیقی عبارات یکسان نبوده و در جهت معانی و مضامین مقصود دگرگون می‌شود. نوع حروف، ترکیب واژگان در آیات و کاستی و فزونی آنها در نغمه آیات تأثیر مهمی دارد. این بازتاب موسیقایی بر اندیشه و احساس مخاطب تأثیر نهاده و گاه تصویری زنده و پویا در ذهن ترسیم می‌نماید. از برجسته‌ترین نمونه‌های این تناسب آوایی و پیوند آن با تصاویر، آیاتی است که در آن سخن از قیامت، معاد و زندگی اخروی است. در این قسم از آیات، موسیقی واژگان خیزش و خرامی خاص داشته که تداعی‌گر نوعی هشدار و ترس بر جان‌هاست. در مقاله حاضر با تأملی بر شماری از آیات قیامت، کارکردهای موسیقی به عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم تصویرآفرین در آیات، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. این بررسی بیان‌گر آن است که موسیقی در تصویر حالت روحی دوزخیان، کیفیت عرضه تصاویر و کندی یا سرعت نمایش صحنه‌ها، نقشی برجسته ایفا می‌نماید.

کلید واژه‌ها: قرآن کریم، آیات قیامت، موسیقی، تصویرآفرینی.

در سروش آسمانی هرگاه سخن از بهشت است سخن از گوارایی نعمت‌ها، رحمت ایزدی و آرامش ابدی بندگانی است که با وجود رنج‌های دنیا از مسیر حق دوری نجسته و اینک در بهشت برین با اشتیاق نظاره‌گر پادش خویشتند. در مقابل، جهنمیان که گرد اندوه بر چهره دارند، با کوله باری از گناه، در انتظار دوزخ و عذاب‌های آنند. این دو، نمونه‌هایی از توصیفات قرآنی است که در آیاتی متعدد، به آراستگی و با اسلوبی خاص ترسیم گشته و خواننده را مجذوب خویش می‌سازد. در خلق این تصاویر و توصیفات هنری، عناصری چون: خیال، تمثیل و زبان، نقشی مهم دارند. عنصر دیگری که در پویایی این تصاویر نقش‌آفرینی می‌کند، موسیقی و ضرب‌آهنگی است که با تار و پود تک‌تک واژگان و عبارات قرآنی عجین شده و آنها را زنده جلوه می‌دهد. در توصیفات قرآنی، شکل و حرکت با دقتی خاص تصویر شده است، چنان‌که گویی همه صور دیدنی، شنیدنی، لمس‌کردنی و چشیدنی، مفهوم خود را در قالبی محسوس و متحرک به نمایش می‌گذارند. در حقیقت، «بیان قرآنی بر محور «تصویرگری» و «تصویرانگیزی» استوار است، یعنی خیال‌انگیزی بر پایه حس و تجسم»^۱. از نظر کمی هم قریب به سه چهارم از موضوعات قرآنی در قالب تصاویر بیان گشته و تنها یک چهارم آن به صورت مفاهیمی ذهنی و مجرد به توصیف درآمده‌اند.^۲

در مصحف شریف، مسأله قیامت از جایگاهی خاص برخوردار است. سخن از مرگ و برزخ، رستاخیز و روز جزا از موضوعات مورد توجه بوده است. با دقت در این آیات، می‌توان پیوند و تناسب عمیق میان نغمه واژگان و تصاویر آن ملاحظه نمود. به راستی، دلیل این پیوند در اوصاف قرآنی از دوزخ چیست؟ و ظرافت‌های موسیقایی چه نقشی در تنوع و تحرک تصویرها دارد؟

بدیهی است که این موضوعات به هدف دینی در قرآن بیان شده و در پی آگاهی و هشدار انسان به معاد و سرای جاودانه است. سید قطب با اذعان به این مسأله می‌نویسد: صحنه‌های قیامت همگی در راستای انگیزه دینی قرار دارند که نخستین هدف قرآن است. این اغراض در

قالب هنری ترسیم شده و با بیانی فنی همراه گشته است.^۳ در این صحنه‌ها، حقایق دینی، خبر از آینده و زندگی در جهان دیگر با نغمه‌هایی آراسته و بی‌نظیر بیان گشته و اندیشه و احساس را درمی‌رباید. برای نمونه، در سوره قارعه، با تکرار پیاپی حروف قاف و عین، موسیقی آیات موج یافته و با الهام نوعی هشدار، جهان در آستانه سقوط به تصویر کشیده می‌شود. این هماهنگی میان تصویر و نغمه‌ها، در نمایان ساختن توصیف‌های قرآنی تأثیر مهمی دارند. با توجه به این مقدمه، در نوشتار حاضر تلاش می‌شود ضمن بررسی موسیقی آیات و نقش آن در تصویرآفرینی تعدادی از آیات که به توصیف صحنه‌های قیامت پرداخته‌اند، به سؤالات زیر پاسخ داده شود:

- الف) مهمترین ویژگی تصویری آیات قیامت قرآن چیست؟
 ب) برجسته‌ترین عوامل موسیقی‌ساز آیات قیامت کدامند؟
 ج) موسیقی آیات چه کارکردهایی در تصویرآفرینی دارد؟

۲. ویژگی تصاویر قیامت در قرآن

اصطلاح «تصویر» در علوم گوناگون از جمله: فلسفه، روانشناسی و غیره، به کار برده می‌شود و در هر مورد هم مفهوم و دلالتی خاص از آن مد نظر است؛ اما گاه مفاهیم مورد نظر از آن در هم آمیخته می‌شود. یافعی در کتاب *دراسة فی الصورة الفنية*، تعاریف آن را به دقت از نظر لغوی، ذهنی، رمزی، نفسی، بلاغی و هنری، تفکیک نموده و به تفصیل به شرح آن پرداخته است.^۴ کلمه «تصویر» در مقام اسم از واژه صورت است و مقصود از آن شکلی است که آن را بر کاغذ، دیوار و غیره کشند. در مباحث ادبی «تصویر» در برابر (image/imagery) است و ماده اساسی کلام ادبی به شمار می‌آید و مقصود از آن «مجموعه تصرفات بیانی و مجازی است که گوینده به مدد کلمات تصویر نموده و نقشی را در ذهن خواننده یا شنونده به وجود می‌آورد».^۵ تصویر، روح و جان مایه شعر، ادب و هنر است و بدون شناخت آن درک کمال اثر ادبی، حاصل نمی‌شود.

قرآن کریم که نمونه‌های اعلاّی متون ادبی است، از تصویرپردازی به شکلی گسترده بهره برده است، به گونه‌ای که غالب موضوعات و مفاهیم قرآنی را بر روی تابلوهای تصویر حقیقی و مجازی می‌یابیم. با بررسی گذشته این مبحث از جنبه زیباشناختی قرآن، به نظر می‌رسد موضوع تصویر هنری، جایگاه قابل‌ذکری در میان علمای گذشته نداشته است، هر چند که در زمینه خیال و شیوه‌های بیان، مباحث فراوانی در آثار آنها مشاهده می‌شود؛ ولی در زمینه تصویر به مفهوم امروزی آن، باید سید قطب را پیشگام بررسی این ابزار برجسته قرآنی دانست.^۶ در نگاه او تابلوهای تصویری ابزاری مناسب در تعبیر قرآنی‌اند که معانی انتزاعی و ذهنی، به مدد آنها بازگو می‌شود. وی تصاویر قرآنی را قانونی کلی و فراگیر در قرآن می‌داند که با ویژگی‌هایی چون: رنگ‌ها، حرکت، موسیقی و نغمه عبارات، آمیخته شده است.^۷

در تصاویر قیامت قرآن، خواننده در برابر صحنه‌ای می‌ایستد که این صحنه، مقصودی معین را به نمایش می‌گذارد، به گونه‌ای که این نمایش، احساسات و هیجانات درونی وی را برمی‌انگیزد. این تصاویر گاه به واسطه صور بیانی، همچون تشبیه شکل می‌یابد. ابن اثیر می‌گوید: هرگاه چیزی را به چیز دیگری تشبیه می‌کنیم در واقع قصد داریم تا تصویر مشبه همچون مشبه‌به، یا معنای آن در ذهن مخاطب، نقش بندد.^۸ تشبیه‌های قرآنی تنها با وجه‌شبه‌های مادی بیان نشده‌اند، بلکه فراتر از آن با ایجاد هماهنگی معنوی و به گونه‌ای دقیق، در منظره‌ای زنده توصیف شده‌اند؛ برای نمونه در این آیه مبارک: ﴿إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ طَلْعُهَا كَأَنَّهُ رُؤُوسُ الشَّيَاطِينِ﴾ (صافات: ۶۴-۶۵) «بی‌گمان آن درختی است که در ژرفای دوزخ می‌بالد. شکوفه‌اش چون سر اهریمنان است»، تصویری خیالی از جهنم به واسطه تشبیه شکوفه‌های درخت زقوم به سرهای شیاطین ترسیم گشته است.

گاه نیز تصاویر به واسطه دیگر ابزار کارآمد بیانی، یعنی استعاره، ترسیم می‌شوند. نمونه‌ای از این ابزار تصویری را در توصیف لحظه احتضار در سوره قیامت شاهدیم: ﴿وَالْتَفَتِ السَّاقُ بِالسَّاقِ إِلَى رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقِ﴾ (قیامت: ۲۹-۳۰) «و ساق در ساق، پیچد، در این روز، گسیل

به سوی پروردگار توست» که برای ترسیم وخامت حال و فرا رسیدن امواج سختی‌ها، مقصود در قالب استعاره بیان گشته است که مقصود از آن «پنجیدن شدت امر آخرین روز دنیا به نخستین روز آخرت است»^۹. در نگاه صاحب‌المیزان «آیه می‌خواهد با تعبیر پنجیدن ساق به ساق از احاطه شدائد و ورود پی در پی آنها خبر دهد، چون از دم مرگ تا روز قیامت شدائد یکی پس از دیگری روی می‌آورد»^{۱۰}. بنابراین این تصویر حقیقی از قیامت در تعبیری استعاری نمایان گشته است.

با بررسی تصاویر قیامت در قرآن می‌توان ویژگی‌هایی را بر آن برشمرد که برجسته‌ترین آنها عبارتند از:

۱-۲. تشخیص (جان‌بخشی): مقصود از تشخیص در اصطلاح ادبی آن است که به پدیده‌های بی‌جنب و جوش حیات بخشیده و به تلاش و تکاپو در آورده شوند؛ تا کوبندگی و نیروی بیشتری در سخن شکل یابد.^{۱۱} از برجسته‌ترین ویژگی‌های این تصاویر، حسی بودن آن است، مقصود آن که همه آنها در قالبی جاندار عرضه می‌شوند؛ گویی که حیات در آنها جریان دارد و این از طریق جان‌بخشی یا همان آدمی‌گونه انگاشتن پدیده‌های بی‌جان و عناصر طبیعی موجود در آیات است که قرآن به زیبایی به عرصه حیات آورده است؛ برای نمونه در آیه زیر خروش و فوران آتش دوزخ از طریق استعاره مصرّحه چون انسانی خشمگین در نظر گرفته شده است که نزدیک است از غیظ فراوان از هم متلاشی شود: ﴿إِذَا الْفُؤَا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهيقًا وَهِيَ تَفُورُ تَكَادُ تَمَيِّزُ مِنَ الْغَيْظِ كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ﴾ (ملک: ۷-۸) «چون آنان را در آن درافکنند فریادی از آن (دوزخ) می‌شنوند در حالی که برمی‌جوشد. نزدیک است که بند بند آن (دوزخ) از خشم از هم جدا شود؛ هر گاه دسته‌ای را در آن درافکنند نگهبانانش از آنان می‌پرسند: آیا بیم‌دهنده‌ای نزدتان نیامده بود؟». بدین وسیله شدت عذاب محسوس بوده و شدت انتقام در آن بهتر جلوه یافته است.^{۱۲} یا در این آیه از سوره مبارک قاف: ﴿يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأَتْ وَتَقُولُ هَلْ مِنْ مَزِيدٍ﴾ (ق: ۳۰) «(یاد کنید) روزی (را) که ما به دوزخ

می‌گوییم: سیر شدی؟ و می‌گوید: آیا بیش هست؟» در این آیه از راه تخیل سؤال و جوابی با جهنم جاری می‌شود و چون انسان یا حیوانی سیری‌ناپذیر به تصویر در می‌آید که پیوسته فزونی می‌طلبد و گناهکاران را یکی پس از دیگری در کام خویش فرو می‌برد.

۲-۲. تناسب هنری: از دیگر ویژگی‌های مهم تصاویر تنزیل شریف، تناسب دقیق و هنری موجود در آن است. سید قطب فصل کاملی از کتاب خویش را به بررسی این ویژگی در تصاویر قیامت قرآنی اختصاص داده و معتقد است این تناسب در تمامی جزئیات صحنه‌ها قابل مشاهده است. در کتاب *عجاز القرآن* خالدی نیز این تناسب و هماهنگی در ویژگی‌هایی چون: استقلال واژگان در ترسیم تصاویر، تناسب با موسیقی، تقابل تصاویر و تناسب زمانی در نمایش آن، بیان شده است.^{۱۳}

۳-۲. تجسیم (عینیت بخشی): مقصود از تجسیم یا عینیت بخشی، بیان ماهیات، اندیشه‌ها و عواطف، در هیئتی مادی و محسوس است. در حقیقت قرآن امور معنوی و مجرد را به صحنه تصاویر در می‌آورد و آنها را از سکوت می‌رهاند؛ برای نمونه «گناه» که امری معنوی است به صورت باری سنگین و غیر قابل حمل به عینیت^{۱۴} در می‌آورد: ﴿وَهُمْ يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ عَلَى ظُهُورِهِمْ أَلَا سَاءَ مَا يَزُرُونَ﴾ (انعام: ۳۱)، در این آیه «گناه» در قالب استعاره تصریحیه چون بار سنگین در نظر گرفته شده است تا شکل آن به ذهن ملموس تر شود. یا در این آیه شریفه برای نشان دادن تباهی اعمال کافران، آن را به صورت ذره غبارهایی پراکنده در فضایی لایتناهی، به تماشا می‌گذارد: ﴿وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنْثُورًا﴾ (فرقان: ۲۳) «و به هر گونه کاری که کرده‌اند می‌پردازیم و آن را چون گردی پراکنده می‌سازیم». یا در آیه ۴۱ سوره عنکبوت، ولایت غیر خدا که امری ذهنی و مجرد است از طریق تمثیل، چون خانه عنکبوت ترسیم گشته تا در خیال مخاطب راحت تر به تصویر آید: ﴿مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنَ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾

عنکبوت: ۴۱) «داستان کسانی که به جای خداوند سرورانی (به پرستش) گزیدند مانند آن عنکبوت است که خانه‌ای بنا کرد و اگر می‌دانستند بی‌گمان سست‌ترین خانه‌ها خانه عنکبوت است.»

۴-۲. حس آمیزی: «در لغت در آمیختن حواس و در اصطلاح قسمی مجاز است که از رهگذر آمیختن دو حس با یکدیگر ایجاد می‌شود.»^{۱۵} در قرآن پیوند حواس، فراوان به چشم می‌آید تا بدین وسیله تصاویر، ملموس و حسی‌تر شود. در قرآن این ترفند هنری گاه به شکل تشبیه امور معقول و ذهنی به امور حسی دیده می‌شود. سید قطب در این زمینه چنین می‌گوید: «قرآن معانی انتزاعی را به مدد تصاویر محسوس و خیال انگیز می‌نمایاند و باز حالات نفسانی و حوادث محسوس و مناظر مورد نظر را چون نمونه‌های انسانی و طبایع بشری از طریق تصویر تفهیم می‌کند. صورتی که قرآن ترسیم می‌کند به زودی زنده و متحرک می‌شود و معانی ذهنی جان می‌گیرد و حوادث و مناظر سرگذشت‌ها همه مشهود و مرئی می‌گردند»^{۱۶} برای نمونه تشبیه اعمال کافران به سراب از آن جمله است: ﴿مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَأَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَىٰ شَيْءٍ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ﴾ (ابراهیم: ۱۸) «مثل کسانی که به پروردگار خود کافر شدند، کردارهایشان به خاکستری می‌ماند که بادی تند در روزی طوفانی بوزد: از آن چه به دست آورده‌اند هیچ بهره‌ای نمی‌توانند برد، این است همان گمراهی دور و دراز»، «در این تابلوسازی جاندار و متحرک حرکت تند باد را در یک روز طوفان زا در برابر خویش مشاهده می‌کنیم که خاکستر اعمال کافران را چنان به هر سو می‌پراکند که گرد آوردن آن دیگر هرگز صورت نیندد»^{۱۷}.

۳. نظم آهنگ آیات قرآن کریم

موسیقی یکی از شاخه‌های هنر است که به دلیل لطافت‌های برجسته آن، در میان دیگر اقسام هنر، جایگاهی بس والا دارد. علما و فلاسفه یونان باستان معتقد بودند موسیقی دل را تسکین

داده و نغمه‌ها و آواهای متناسب در زرفای دل آدمی می‌نشیند.^{۱۸} این اندیشه‌ها و نظرات با ورود فرهنگ یونانی در میان فرهنگ عربی راه یافت و اگر برگزیده آن تأملی نماییم در می‌یابیم که ابو یوسف کندی (۲۵۲ ق)، اندیشمند دوره عباسی، از نخستین افرادی بود که موسیقی را به فرهنگ تازیان وارد ساخت. در نظر وی موسیقی «تناسب و هماهنگی زمانی آواها و اصوات» بود.^{۱۹} فارابی (۳۳۹ ق) نیز در کتاب موسیقی کبیر خویش ضمن بررسی نغمه‌ها و آواها و تقسیم‌بندی آن به دسته‌های مختلف معتقد است در خوی حیوان و انسان آن است که در هنگام هیجان و طرب نوعی صدا و در هنگام ناراحتی و خشم و ترس و دیگر تأثیرپذیری - ها صداهای دیگر دارد.^{۲۰} چنان‌که ابن قتیبه (۲۷۶ ق) طرب را از عوامل اصلی آفرینش ادبی برمی‌شمارد.^{۲۱} قاضی جرجانی نیز در کتاب *الوساطة بین المتنبی و خصومه* به نکته بسیار جالبی در جهت پیوند آوا و تصویر اشاره دارد: «الكلامُ أصواتٌ محلُّها من الأسماعِ محلُّ النواظرِ من الأبدانِ»؛^{۲۲} کلام مجموعه آواهایی است که جایگاه آن در گوش، چون دیدگان در جسم هستند. از موضوعات قابل توجه در نزد قدما موضوع ارتباط لفظ و معنا است. ارتباط معنایی میان حروف تشکیل دهنده واژه و معنای واژه، حرکت و موسیقی آن و معنایی که از آن دریافت می‌شود، از جمله مسائلی است که در میان علمای قدیم مطرح بوده است. مفهوم تکرار فعل که از قالب واژه‌هایی مانند: «زعزعه»، «صعصعه» و غیره یا حرکت و جنبشی که از وزن کلماتی چون: جولان و غلیان و ... دریافت می‌شود، حکایت ارتباطی است که میان ساخت واژه با عناصر تشکیل دهنده آن از قبیل حرکت موسیقی آنها وجود دارد.^{۲۳}

زبان قرآن نیز زبانی آمیخته با آهنگ و موسیقی است که متناسب با مضمون تغییر می‌یابد. در این مسیر، دانش تجوید راهنمای چگونگی رعایت موسیقای حروف و واژگان است. نظم آهنگ قرآنی برگرفته از عوامل متعددی است. از جمله آن: زیبایی‌های لفظی و بدیعی چون: سجع، جناس، فاصله و تناسب کلمات، مانند: جای گرفتن دقیق حروف مد و غنه در کلمات است. این نغمه دلکش و نوای دل‌پذیر «احساسات آدمی را بر می‌انگیزد و دل‌ها را شیفته خود می‌کند. نوای زیبای قرآن برای هر شنونده‌ای هر چند غیر عرب، محسوس است، چه رسد به این که

شنونده عرب باشد... شنونده این آوای گوناگون و هر دم تجدید شونده قرآن که اسباب و اوتاد و فواصل آن پی‌درپی جای خود را عوض می‌کنند و هر کدام گوشه‌ای از قلب را به نوازش و می‌دارند، نه تنها خسته و آزرده نمی‌شود، بلکه عطش او برای شنیدن همواره فزونی می‌گیرد.^{۲۴} آهنگ آیات بسته به نوع مضامین، گاه اوج یافته و گاه فرو نشسته و آرام می‌گیرد، این پیوند معنا با صورت واژگان امری بی‌هدف نبوده و اندیشه و احساس را نشانه می‌رود و هر دو را تحریک می‌نماید تا با این خیزش که در دل می‌افکند انسان آماده پذیرش پیام گردد.

در بعد آوایی قرآن، مصوّت‌ها، صامت‌ها و عناصر زبرنجیری و دیگر عناصر موسیقی‌ساز مورد بررسی است. مهم‌ترین عناصر زبرنجیری عبارتند از: تکیه (Stress)، آهنگ (Intonation)، درنگ، و نواخت (Ton). ایقاع، ضرب‌آهنگ یا ریتم (Rhythm) نیز از جمله آنهاست که «در لغت هماهنگ ساختن آوازه‌است و در اصطلاح زبان، ترتیب پی‌در پی بخش‌ها یا هجاهای بلند و کوتاه، یا ضعیف و قوی در یک مصراع و سطر از شعر یا نثر است».^{۲۵} در شعر ایقاع حاصل تکرار و ترتیب منظم الگوهای وزنی است؛ اما در نثر و شعر آزاد ترتیب طبیعی سخن و روال معمول نحو، ضرب‌آهنگ را شکل می‌دهد. نویسندگان دقیق برای انتقال حالات عاطفی و القاء مضامین خود به ضرب‌آهنگ و ایقاع سخن توجه خاصی دارند. برای مثال، ضرب‌آهنگ تند در جملات داستان می‌تواند بیان‌گر تحرک، بی‌قراری، هیجان و ناآرامی باشد، حال آن که ضرب‌آهنگ آهسته، آرامش و سکون را القاء می‌نماید. ایقاع در شعر یا نثر یکی از ویژگی‌های سبکی به شمار می‌آید.^{۲۶} ایقاع بر دو قسم تقسیم می‌شود: ایقاع فرازی: فرازی در لغت به معنی بالا رونده است و ایقاع فرازی در اصطلاح نظام وزنی آن است که آهنگ کلام از کوتاهی و زیری به بلندی متمایل شود؛ ولی، در ایقاع فرودی، آهنگ سخن از بلندی به فرودی متمایل می‌شود.

۱-۳. عناصر برجسته در موسیقی آیات قیامت

۱-۱-۳. فاصله‌های قرآنی

باقلانی می‌گوید: «فاصله، حروف همگنی در مقاطع اند که به وسیله آنها فهماندن صورت می‌گیرد و شاید وجه تسمیه فاصله آن باشد که میان آیات جدایی می‌افکند و موجب تمایز آنها با هم می‌شود».^{۲۷} قرآن کریم برای آفرینش معانی مورد نظر خود، واژگان را در قالبی مناسب جای داده تا معانی با دلنشینی ناشی از موسیقی در ارتباط باشد. این موسیقی و آهنگ در قرآن با توجه به معنا و مفهوم و بافت کلام تغییر می‌کند.^{۲۸} قسمتی از این موسیقی را باید در تناسب حروف پایانی آیات دانست که از نظمی خاص تبعیت می‌کند که تنها تناسب لفظی نبوده و نظم معنایی خاص را در لابه‌لای بندها و آهنگ‌ها روشن می‌سازند.^{۲۹} برای نمونه در این آیات از سوره نازعات: ﴿يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ أَبْصَارُهَا خَاشِعَةٌ يَقُولُونَ أَيْنَا لِمَرْدُودُونَ فِي الْحَافِرَةِ﴾ (نازعات: ۶-۱۰) «روزی که آن بانگ لرزه‌افکن، به لرزه درآید، بانگی دیگر، از پی آن می‌آید، دل‌هایی در آن روز ترسانند و دیدگان آنها فرو افتاده‌اند، (امروز) می‌گویند آیا ما به حال نخستین خویش بازگردانده می‌شویم» بخشی از موسیقی، حاصل از تناسب حروف پایانی آیات است که ریتمی تند با موج‌های کوتاه داشته و با فضای کلی تناسب دارد.

۱-۳-۲. تکرار

در حقیقت باز آوردن یک لفظ، عبارت یا آیات قرآنی است که سبب ثبوت معنا در ذهن می‌گردد. زرکشی (۱۳۹۴ق) در *البرهان* فواید متعددی بر این اسلوب برمی‌شمارد که از جمله آن: تأکید معنا، تعظیم، تعجب، خوف نسیان، تهدید و غیره است.^{۳۰} افزون بر این کارکردهای بلاغی این اسلوب، آن را باید در ایجاد نظم آهنگ و زیبایی صوتی قرآن مؤثر دانست؛ برای نمونه در آیه: ﴿الْحَاقَّةُ مَا الْحَاقَّةُ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ﴾ (حاقه: ۱-۳) «آن هنگامه راستین. آن هنگامه راستین چیست؟ و چه دانی تو که آن هنگامه راستین چیست؟» تکرار حرف «ق» و شدت و

صلابت آوایی موجود در آن، عظمت حوادث آن روز عظیم را القا نموده و بیان‌گر آن است که انسان جزای اعمال خویش را به شکل کامل دریافت خواهد نمود.^{۳۱}

۳-۱-۳. آوای واژگان

واژگان قرآن دنیای پر رمز و رازی دربرداشته و از هر نظر در نوع خود بی‌نظیرند. اهمیت شناخت و بررسی واژگان قرآنی از دیرباز مورد تأکید بوده، چنان‌که راغب اصفهانی، لغت‌شناس بزرگ سده ششم هجری، در مقدمه کتاب *مفردات خویش*، «علم الفاظ» را نخستین علم در فهم و درک دقیق قرآن معرفی می‌کند.^{۳۲} «زیبایی واژگان قرآنی پدیده‌ای است که قرآن از آن بهره برده است و از ویژگی این زیبایی واژگان، نظام صوتی آن است که توجه و نگاه‌ها را به خود جلب نموده و ضمیر آدمی را تحریک می‌نماید و میان دین و هنر بیانی را با حواس انسانی درمی‌آمیزد».^{۳۳}

با درنگی در معماری واژگان آیات قیامت قرآن، آهنگ و هم‌خوانی آن با سایر الفاظ، می‌توان نهایت ظرافت در ساختار و اوزان این واژه‌ها و ارتباط تنگاتنگ آن را با موسیقی کلی نظاره کرد، برای نمونه در سوره معارج: ﴿كَلَّا إِنَّهَا لَأُطَىٰ نَزَّاعَةٌ لِّلشَّوٰی﴾ (معارج: ۱۵-۱۶) «هرگز! بی‌گمان، آن زبانه‌ای از آتش است که پوست را برمی‌کند»، کلمه «نَزَّاعَةٌ» ضمن دلالت خاص معنایی خود که همان مفهوم استمرار و تکرار است، موسیقی خاصی در بر گرفته و با فضای موجود آیات در تلائم است.^{۳۴} یا در این آیه شریفه: ﴿يَوْمَ يُدْعَوْنَ إِلَىٰ نَارِ جَهَنَّمَ دَعَا﴾ (طور: ۱۳) «روزی که آنان را با خشونت و زور به سوی آتش می‌رانند»، آوای دو لفظ «یدعون» و «دعا» موسیقی هول‌انگیزی به آیه بخشیده و تصویر تحقیر جهنمیان و راندن آنها به سمت جهنم را در ذهن متجلی می‌سازد.

بنابراین آوا و موسیقی ناشی از ساختار خود واژگان در آیاتی که صحنه‌های قیامت را توصیف می‌کنند، عاملی برجسته در فضای موسیقایی این دست از آیات به شمار می‌آیند که ضمن داشتن دلالت‌های مختلف در لایه درونی خود، از نغمه‌های خاصی برخوردارند و غالباً ساختار

آنها را حروفی تشکیل داده‌اند که در تلفظ با نوعی از تفخیم و شدت ادا می‌شوند؛ برای نمونه نام‌های قیامت، چون: «الصاخّة»، «الطامة»، «القارعة»، «الحاقّة»، «الغاشية»، «الراّجفة»، «الراّدة»، «الآزفة» با داشتن شدت آوایی موجود در هر یک، دلالت بر فرا رسیدن روزی حتمی و انکارنشدنی است که گریزی از آن نباشد.^{۳۵}

۳-۱-۴. چینش واژگان

چگونگی هم‌نشینی واژه‌ها، تقدیم و تأخیر و تلاقی آواها، از دیگر عوامل مهم و مؤثر در موسیقی آیات قرآن کریم و از جمله آیات قیامت است، برای مثال در این آیات: ﴿خُدُوهُ فَعُلُوهُ ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ﴾ (حاقه: ۳۰-۳۳) «بگیریدش و به بند آوریدش! سپس در دوزخش افکنید! آنگاه با زنجیری که هفتاد ذرع است، به بندش کشید!»، نظم بی‌نظیر واژگان در مقاطع و امتداد آواها در آن و تقدیم دو لفظ «جحیم» و «سلسله»، ریتمی خاص ایجاد نموده و از تکرار حرف «س»، صدای غل و زنجیر به خوبی در ذهن ظاهر می‌شود. آوردن الفاظی چون «سبعون» نیز مفهوم شدت و طولانی بودن عذاب جهنمیان را بازتاب می‌دهد. در نگاه زمخشری لفظ «سبعون» دال بر تکثیر بوده و نشان از شدت عذاب دارد.^{۳۶}

۴. نقش موسیقی در تصویرآفرینی آیات

هرچند تشبیه، تمثیل، استعاره و کنایه، بیش از هر چیز زمینه را برای تصویر ادبی فراهم می‌کنند و برای خیال، افقی گسترده می‌سازند تا در آن به پرواز درآید؛ اما خیال تنها عنصر پیدایش تصویر ادبی نیست، بلکه موسیقی نقشی انکارناپذیر دارد. در واقع، تصاویر ادبی با همین موسیقی تکامل می‌یابند. اگر به مسأله موسیقی در قرآن نیک بنگریم در می‌یابیم که هدف نهایی آن برانگیختن احساس انسان و تأثیر بر دل و اندیشه اوست؛ از این جهت است که حتی کافران

نیز به هنگام شنیدن آوای قرآنی دلشان نرم گشته و تحت تأثیر موسیقی گوش‌نواز آن می‌شوند؛ چرا که این نظم آوایی با سرشت انسانی سازگار است.^{۳۷}

گفتنی است که تأثیرپذیری مخاطبان از اعجاز نغمه‌ها و آوای متناسب قرآنی را نباید کم از تأثیر معانی آن دانست. بی‌جهت نیست که بزرگانی چون: جاحظ (۲۵۵ ق) بر این امر پافشارده و گاه انتخاب وزنی متناسب و لفظی شایسته را برتر از هسته درونی آن، یعنی معنا می‌دانند.^{۳۸}

در آیات قرآن، موسیقی واژگان براساس دلالت کامل بر معانی برگزیده شده‌اند، این‌گزینه‌ش مطابق سیاق کلی آیات بوده و مبتنی بر نظم خاص آن و متناسب با تصویر است که پیوسته دگرگون می‌شود، به گونه‌ای که امکان جای‌گزینی وجود ندارد، برای مثال در آهنگ این آیه تأملی می‌کنیم: ﴿وَإِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُدَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِّنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ﴾ (بقره: ۴۹) «و (به یاد آرید) آنگاه که شما را از چنگ فرعونیان رهان‌دیم، آنان شما را سخت شکنجه می‌کردند؛ پسران شما را سر می‌بریدند و زنانتان را زنده می‌گذاشتند و در آن (امر، بلا و...) آزمایشی بزرگ از جانب پروردگارتان بود»، این آیه در یادآوری نعمت‌های الهی بر بنی اسرائیل است آن‌جا که خداوند بلند مرتبه آنها را از عذاب فرعون‌ی نجات داده و از عذاب‌هایی چون: کشتار فرزندان پسر و استفاده از زنان و دختران به عنوان برده یاد می‌کند. حال این عذاب برداشته شده و بر بنی اسرائیل واجب است که پیوسته از این نعمت الهی یاد کنند. اگر بر نغمه‌های الفاظ این آیه بنگریم این واژگان این خواری و ذلت را به خوبی به نمایش درآورده، به گونه‌ای که نتوان مرادفی را با این واژگان آورد که فصاحت و بلاغت و آراستگی جانشین این واژگان نهاد؛ برای نمونه اگر در واژه «یسومون» درنگ نماییم، درمی‌یابیم که نوعی مد و کشیدگی صوتی در آن ملاحظه می‌شود. این نطق صوتی زمانی طول می‌کشد و حالت عذاب را که بر بنی اسرائیل مداوم بوده است، نشان می‌دهد، به گونه‌ای است که نمی‌توان واژه «لایذیقون» را جانشین آن ساخت.

با بررسی موسیقی آیات قیامت به نظر می‌رسد آوای حاصل از آیات از جنبه‌های بسیاری در تصویر نقش‌آفرینی می‌کنند که در زیر به موارد برجسته آن اشاره می‌کنیم:

۴-۱. تجسم امور معنوی و روحی

یکی از کارکردهای مهم نظم آوای آیات قیامت، تجسم و ترسیم امور معنوی و حالات روحی دوزخیان است؛ مقصود آن که موسیقی این دست از آیات، آشکارا فضای خاصی از تصاویر را ترسیم می‌نماید و معنای ویژه‌ای را در ذهن تجلی ساخته و متناسب با فضای مورد نظر دگرگون می‌شود؛ برای نمونه در آیات زیر از چینش واژگان و تکرار حرف مدی «الف»، موسیقی نرم که متناسب با حالت تواضع، نگرانی و ترس جهنمیان است شکل یافته، آن گاه که آنان با زبانی نرم خدا را ندا می‌دهند: ﴿يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَ قَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبْرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلًا رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنَاهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا﴾ (احزاب: ۶۶-۶۸) «می‌گویند: ای کاش از خداوند و پیامبر فرمان برده بودیم و می‌گویند: پروردگارا! ما از سرکردگان و بزرگانمان فرمان بردیم و آنان ما را از راه به در بردند. پروردگارا! به آنان دو چندان عذاب ده! و آنها را به لعنتی بزرگ لعنت فرما»، چنان‌که ملاحظه می‌کنیم در این سه آیه با افزوده گشتن الف ممدود بر سه کلمه «رسولا»، «سبیلا» و پیش‌تر کلمه «ظنونا»، یک توازن صوتی ایجاد شده است که خرامی خاص به موسیقی آیه می‌بخشد که بی‌شک با معنای آیه پیوندی عمیق دارد، به گفته سامرائی، مؤلف بلاغۃ الکلمۃ فی التعبير القرآنی، این خرام موسیقی که در نتیجه تکرار حرف «الف» بوده و به نوعی الهام‌بخش شیون و زاری جهنمیان است که از ژرفای ضمیر، پروردگار را ندا می‌دهند؛ ولی افسوس که فریادرسی نیست! ^{۳۹} یا در این آیه از سوره مبارک فرقان، آه و حسرت دوزخیان با نغمه اندوهناکی همراه است: ﴿وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا﴾ (فرقان: ۲۷-۲۹) «روزی که ستمکار دست‌های خود را می‌گردد و می‌گوید: ای کاش با پیامبر راهی بر می‌گرفتم. ای وای! ای کاش فلانی را دوست خود نگرفته بودم. او بود که مرا به گمراهی کشانید پس از آن که قرآن به من رسیده بود و شیطان همواره فروگذارنده انسان است»، در این آیات صحنه‌ای زنده و پویانده در

برابر خواننده رقم می خورد و انگشت تنبیه و هشدار را به سویس نشانه می رود که روزگار نادمان چنان خواهد بود. در این آیات تناسب سه مقطع آیه یعنی واژگان «سببلا»، «خلبلا» و «خذولا» و نیز تکرار و تلاقی حرف مدّ «الف» که از نظم کلمات ناشی گشته است، فضای حسرت و ندامت جهنمیان را به نیکی به توصیف در می آورد.

۲-۴. مبالغه و برجسته سازی

ساختار موسیقایی آیات قیامت و نغمه واژگان آن به گونه ای است که تصاویر را با برجستگی ویژه به نمایش می گذارد و معانی را با تأکید و مبالغه همراه می سازد تا هدف اصلی این دست از آیات که همان غرض دینی است تحقق یابد. تصاویر قیامت با این رتیم و آوای خاص به شکلی متمایز از دیگر تصاویر جدا می شوند تا مفاهیم آن بر مخاطب تأثیر نهد. گزینش ساختار و وزن صرفی خاص برای واژگان، در این برجسته سازی نقشی مهم دارند؛ برای مثال در این آیه از سوره فاطر: ﴿وَهُمْ يَصْطَرِّخُونَ فِيهَا رَبِّنا أَخْرِجْنا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ﴾ (فاطر: ۳۷) «و آنان در آن فریاد سر می دهند که پروردگارا! ما را بیرون آور تا کاری شایسته جز آنچه (پیش تر) می کردیم در پیش گیریم»، کلمه «یصطرخون» (به شدت ناله سر می دهند) از ریشه «صرخ» بر باب «افتعال» است که با قرار گرفتن در این بنای صرفی، با بار معنایی عمیق تری ظاهر شده است. در واقع، آهنگ و طنین ناشی از کنار هم واقع گشتن «ص» و «ط» که هر دو از صفت تفخیم برخوردارند و نیز حرف «راء» که دال بر دوام و استمرار است، تصویر ناله و فریاد دوزخیان را پررنگ تر متبلور ساخته است.

۳-۴. سرعت بخشی به صحنه ها

از دیگر کارکردهای موسیقایی آیات قیامت، تنظیم چگونگی عرضه تصاویر و صحنه هاست. مقصود آنکه ریتم و طنین موجود در تار و پود آیات، نمایش صحنه ها را گاه تند و گاه آرام و کند می سازد. در حقیقت عرضه تصاویر دوزخ در سایه موسیقی آن تنظیم می شود و از فراز و

فرود آن، مفاهیم موجود در تصاویر پرورش یافته و عمق می‌یابند. برای نمونه ریتم موجود در آیات زیر که جهان را در آغاز انقلاب توصیف می‌کنند چنان تند و سریع است که گویی در یک آن عالم از هم فرو پاشیده و نابود می‌شود: ﴿إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ وَإِذَا الْمَوْؤُودَةُ سُئِلَتْ﴾ (تکویر: ۸-۱) «آنگاه که خورشید فرو پیچانده (و خاموش) گردد و آنگاه که ستارگان به تیرگی گرایند و آنگاه که کوه‌ها را از جا بجنابند و آنگاه که شتران پا به زای، و نهاده شوند و آنگاه که جانوران وحشی را گرد آورند و آنگاه که دریاها بر جوشند و آنگاه که جان‌ها (با همتای خود) جفت گردند (و یگانگی یابند) و آنگاه که از دختر زنده در گور نهاده، بپرسند» در این آیات چنان که ملاحظه می‌شود تصاویر به یاری نغمه تند آن یک به یک و به سرعت عرضه می‌شوند و رویدادهای آن روز عظیم را به یاد می‌آورند.

۵. نتیجه‌گیری

تصاویر و صحنه‌های هنری موجود در آیات قیامت، از وجوه اعجاز آیات قرآن کریم است که در پی اغراض دینی، اخلاقی و تربیتی شکل یافته است. این تصاویر ضمن تقریب معانی و مفاهیم قرآنی به اندیشه و اغنای روح و جان، حقائق قیامت را در قالبی هنری و گزیده عرضه می‌کنند. ترسیم مضامین قرآنی بر تابلوهای تصویری کاربرد گسترده و فراوانی در آیات قرآن دارد. به گونه‌ای که قریب به سه چهارم از موضوعات قرآنی در قالب تصاویر به توصیف درآمده‌اند. این موضوع در توصیف صحنه‌های قیامت بسیار پُررنگ به نظر می‌رسد، چه آن که دو نوع تصویر، حقیقی و مجازی در این آیات کاربرد دارد. از مؤلفه‌های برجسته این تصاویر، موسیقی و نغمه عبارات آن است که با معنا و مقصود آیات تنیده گشته است. این موسیقی کارکردهای مهمی در تصویر حالت روحی دوزخیان، برجسته نمودن و تأکید بر صحنه‌های قیامت و نیز کیفیت عرضه تصاویر (کندی یا سرعت نمایش) دارد. در این آیات علاوه بر صنایع بدیعی چون: تکرار، موازنه و مقابله، عناصری چون: فاصله، انسجام و پیوند واژگان و هم‌نشینی

آواها، نظام موسیقایی را بارزتر جلوه می‌دهند. این موسیقی با تغییر فضای آیات تغییر می‌کند و بر چگونگی نمایش صحنه‌ها تأثیر می‌نهد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. فولادوند، محمد مهدی، قرآن‌شناسی، ص ۱۸۴.
۲. ر.ک. خالدی، صلاح عبد الفتاح، اعجاز القرآن البیانی و دلائل مصدره الربّانی، ص ۳۳۹.
۳. سید قطب، مشاهد القيامة فی القرآن، ص ۴۷.
۴. ر.ک. یافعی، نعیم، مقدمة لدراسة الصورة الفنية، ص ۴۱.
۵. داد، سیما، فرهنگ اصطلاحات ادبی، ص ۱۳۹.
۶. خالدی، صلاح عبد الفتاح، اعجاز القرآن البیانی و دلائل مصدره الربّانی، ص ۳۳۸.
۷. ر.ک. سید قطب، التصوير الفني فی القرآن، ص ۳۶-۳۸.
۸. ابن اثیر، ضیاء الدین، المثل السائر فی أدب الكاتب و الشاعر، ص ۳۹۴.
۹. درویش، محی الدین، اعراب القرآن و بیانه، ج ۸، ص ۱۵۵.
۱۰. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۱۸۱.
۱۱. ر.ک. کزازی، جلال الدین، زیبایی‌شناسی سخن پارسی، ص ۱۲۷.
۱۲. ر.ک. رمّانی، علی بن عیسی، ثلاث رسائل فی اعجاز القرآن، ص ۸۷.
۱۳. ر.ک. خالدی، صلاح عبد الفتاح، اعجاز القرآن البیانی و دلائل مصدره الربّانی، ص ۳۴۷-۳۵۳.
۱۴. ر.ک. سیدی، حسین، اساس و مبانی تصویر هنری در قرآن، ص ۸.
۱۵. داد، سیما، فرهنگ اصطلاحات ادبی، ص ۱۹۷.
۱۶. سید قطب، التصوير الفني فی القرآن، ص ۱۵۸.
۱۷. همان، ص ۲۶.
۱۸. علیوی البدرانی، علا حسین، فاعلیة الإیقاع فی التصوير الشعری، ص ۴.
۱۹. همان: ۵.
۲۰. فارابی، ابونصر، موسیقی کبیر، ص ۶۴.
۲۱. ابن قتیبه، الشعر و الشعراء، ج ۱، ص ۷۸.

٢٢. جرجاني، قاضي، الوساطة بين المتنبي وخصومه، ص ١٠٠.
٢٣. ر.ك. ابن جنّي، ابي الفتح عثمان، الخصائص، ج ٢، ص ١٥٢-١٥٣.
٢٤. معرفت، هادي، علوم قرآني، ص ٣٨٠-٣٨١.
٢٥. داد، سيما، فرهنگ اصطلاحات ادبي، ص ٦٥.
٢٦. همان، ٦٥.
٢٧. مطعني، عبدالعظيم ابراهيم محمّد، ويژگي هاي بلاغي بيان قرآن، ص ١٦٥.
٢٨. سيد قطب، التصوير الفني في القرآن، ص ١٠٦.
٢٩. بنت شاطيء، عايشه عبدالرحمن، الإعجاز البياني للقرآن، ص ٢٣٩.
٣٠. ر.ك. زركشي، بدرالدين، البرهان في علوم القرآن، ج ٣، ١١-١٨.
٣١. ر.ك. خضر، سيد، التكرار الإيقاعي في اللغة العربية، ص ١٠.
٣٢. ر.ك. راغب اصفهاني، ابوالقاسم حسين بن محمّد، المفردات في غريب القرآن، ص ٦.
٣٣. عبدالعال، محمّدقطب، من جماليات التصوير في القرآن الكريم، ص ٢٠.
٣٤. ر.ك. سامرائي، فاضل صالح، معاني الأئنيه، ص ٩٦.
٣٥. ر.ك. علي الصغير، محمدحسين، الصوت اللغوي في القرآن، ص ١٧١.
٣٦. زمخشري، محمود بن عمر، الكشّاف عن حقائق التنزيل وعيون الأقاويل في وجوه التأويل، ج ٤، ص ٦٠٥.
٣٧. ر.ك. عبدالنواب، صلاح الدين، الصورة الأدبية في القرآن الكريم، ص ٧٤.
٣٨. جاحظ، عمر بن بحر، الحيوان، ج ٣، ١٣١.
٣٩. ر.ك. سامرائي، فاضل صالح، بلاغة الكلمة في التعبير القرآني، ص ٣٤.

منابع:

قرآن كريم.

١. ابن اثير، ضياء الدين، المثل السائر في أدب الكاتب و الشاعر، تحقيق محمد محيي الدين عبدالحميد، قاهره: مطبعة مصطفى الحلبي، ١٩٣٩م.
٢. ابن جنّي، ابي الفتح عثمان، الخصائص، تحقيق محمدعلي النجار، قاهره: المكتبة العلمية، ١٩٥٢م.
٣. ابن قتيبه، الشعر والشعراء، تحقيق احمد محمد شاكر، قاهره: دارالمعارف، بي.تا.
٤. بنت الشاطيء، عايشه عبدالرحمن، الإعجاز البياني للقرآن، مصر: دارالمعرف، ١٩٦٨م.

۵. جاحظ، عمرو بن بحر، الحيوان، تحقيق عبدالسلام محمد هارون، بيروت: دار احياء التراث العربي، ۱۹۶۹م.

۶. جرجاني، قاضي، الوساطة بين المتنبي و خصومه، تحقيق: محمد ابوالفضل ابراهيم ومحمد علي بجاوي، بي تا.

۷. خالدی، صلاح عبد الفتاح، اعجاز القرآن البياني و دلائل مصدره الرباني، عمان: دار عمار، ۲۰۰۰م.

۸. خضر، سيد، التكرار الإيقاعي في اللغة العربية، بيلا (مصر): دارالهدى للكتاب، ۱۹۹۸م.

۹. داد، سيما، فرهنگ اصطلاحات ادبي، تهران: مرواريد، ۱۳۸۷ش.

۱۰. درويش، محيي الدين، إعراب القرآن و بيانه، دمشق: دار ابن كثير، ۱۹۹۹م.

۱۱. راغب اصفهاني، ابوالقاسم حسين بن محمد، المفردات في غريب القرآن، تحقيق محمد سيد كيلاني، بيروت: دارالعرفه، بي تا.

۱۲. رمانی، علي بن عيسى؛ خطابی؛ جرجانی، عبدالقاهر، ثلاث رسائل في اعجاز القرآن، تحقيق محمد خلف الله و محمد زغلول سلام، قاهره: دارالمعارف، ۱۹۶۸م.

۱۳. زرکشی، بدرالدين محمد بن عبدالله، البرهان في علوم القرآن، تحقيق: محمد ابوالفضل ابراهيم، الجزء الثالث، بيروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۵ق.

۱۴. زمخشری، محمود بن عمر، الكشاف عن حقائق التنزيل و عيون الأقاويل في وجوه التأويل، الطبعة الثانية، بيروت: دار احياء التراث العربي، ۲۰۰۸.

۱۵. سامرائی، فاضل صالح، بلاغة الكلمة في التعبير القرآني، قاهره: شركة العاتك لصناعة الكتاب، چاپ دوم، ۱۴۲۷ق.

۱۶. _____ معاني الأنبياء، عمان: دار عمار، ۲۰۰۷م.

۱۷. سيد قطب، مشاهد القيامة في القرآن، قاهره: دارالشروق، ۲۰۰۶م.

۱۸. سيدی، حسين، «اساس و مباني تصوير هنري در قرآن»، مجله پژوهش های اسلامي، دانشگاه کرمان، شماره ۴، صص: ۱-۱۳، ۱۳۸۷ش.

۱۹. طباطبائي، محمد حسين، ترجمه تفسير الميزان في القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامي جامعهی مدرسین حوزه علميه قم، ۱۳۷۴.

۲۰. عبدالنواب، صلاح‌الدین، الصورة الأدبية فى القرآن الکریم، قاهره: الشركة المصرية العالمية للنشر، ۱۹۹۵م.

۲۱. عبدالعال، محمّدقطب، من جمالیات التصوير فى القرآن الکریم، مکه مکرمه: رابطہ العالم الإسلامی، ۱۴۱۰ش.

۲۲. علی الصغیر، محمّدحسین، الصوّت اللغوی فى القرآن، بیروت: دارالمورخ العربی، ۲۰۰۰.

۲۳. علیوی البدرانی، علا حسین، فاعلیة الإیقاع فى التصوير الشعری، رساله دکتری، دانشگاه عراق، بی - تا.

۲۴. فارابی، ابونصر، موسیقی کبیر، تحقیق: غطاس عبدالملک خشبه، قاهره: دارالکتب العربی، ۱۹۶۷م.

۲۵. فولادوند، محمّدمهدی، قرآن‌شناسی، تهران: انتشارات الست فردا، ۱۳۸۱ش.

۲۶. کزازی، میرجلال‌الدین، زیباشناسی سخن پارسی: بیان، تهران: نشر مرکز، ۱۳۶۸ ه.ش.

۲۷. مطعنی، عبدالعظیم ابراهیم محمّد، ویژگی‌های بلاغی بیان قرآن، ترجمه سید حسین سیدی، تهران: سخن، ۱۳۸۸ش.

۲۸. معرفت، محمّدهادی، علوم قرآنی، قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، ۱۳۷۷ش.

۲۹. یافعی، نعیم، مقدمة لدراسة الصورة الفنية، دمشق: منشورات وزارة الثقافة والإرشاد القومي، ۱۹۸۲م.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی